



شماره ثبت: ۳۱۹۰

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

تولی من قبل الجائر.....	۲
مستثنیات.....	۲
مرور گذشته.....	۲
۱. معنای کفارہ.....	۲
۲. جواز یا وجوب حکم قضاء حوائج الاخوان.....	۲
نقطه‌ی عطف بحث.....	۳
۳. شمول روایت در دفع ضرر یا مطلق گره‌گشایی.....	۳
۴. مطلق بودن یا نبودن قضاء حوائج اخوان.....	۳
۵. معنای «عمل» در روایت.....	۴
۶. شمول «سلطان» در معنای خاص.....	۴
جمع‌بندی.....	۴
روایت سوم: دلیل سوم شیخ (ره).....	۵
بررسی روایت از لحاظ دلالت.....	۵
۱. ارتباط روایت با تولی.....	۵
۲. حکم شرکت در جنگ.....	۵
۳. معنای نية.....	۶
نتیجه.....	۶



تولی من قبل الجائر

مستثنیات

مرور گذشته

روایاتی که در مورد استثنای اول است، در باب ۴۶ وجود دارد. روایت اول، اسناد متعددی داشت. روایت دوم نیز از دو طریق دیگر نقل شده است که در مستدرک الوسائل آمده است.

«قَالَ وَقَالَ الصَّادِقُ ع كَفَّارَةُ عَمَلِ السُّلْطَانِ قَضَاءُ حَوَائِجِ الْإِخْوَانِ»^۱

از لحاظ سندی بحث کردیم. و از لحاظ دلالت چندین نکته در آن وجود داشت:

۱. معنای کفاره

کفاره چند معنا داشت:

۱. باعث کاهش عذاب می‌شود. این کفاره، حرمت گناه را از بین نمی‌برد. اظهر همین احتمال است.

۲. کفاره باعث برداشتن حرمت است. البته این معنا، حتماً قرینه می‌خواهد.

در این روایت، با استفاده از قرینه‌های دوم، می‌توانیم احتمال دوم را در نظر بگیریم.

۲. جواز یا وجوب حکم قضاء حوائج الاخوان

در این روایت که می‌گوید قضای حوائج اخوان، کفاره عمل است، معنای جواز یا وجوب را می‌رساند.

چیزی که مسلم است رجحان دارد. دلالت روایت بر حسن و رجحان قضاء حوائج اخوان در این مورد، مسلم است. در این قسمت دو احتمال وجود دارد:

^۱ وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۹۲



شماره ثبت: ۳۱۹۰

۱. مطلق رجحان را می‌رساند. زیرا این روایت جنبه‌ی کفایت و اثر حسنه بر سیئه را نشان می‌دهد. ما قاعده‌ی کلی نداریم که حسنات، سیئات را از بین می‌برند. در نتیجه از این روایت، بیش از رجحان استفاده نمی‌شود.

۲. این احتمال، متناظر به احتمال دوم بحث گذشته است. امری که می‌خواهد حرمت را بردارد، باید در حد وجوب باشد، اما این احتمال قوی نیست.

بین این دو احتمال، ظاهر احتمال اول است، یعنی رجحان استفاده می‌شود.

نقطه‌ی عطف بحث

نکته‌ی اساسی در این بحث این است که روایت مفروض گرفته است که کسی وارد دستگاه شده است و اکنون به قضاء حاجات اخوان پرداخته است. وجوب و جایز تولی مورد بحث نیست. در نتیجه نکته اساسی این است که مفروض گرفته شده است که تولی انجام شده است. یعنی با فرض وارد شدن در دستگاه (تولی)، قضاء حاجت واجب یا مستحب است. در نتیجه این نکته، مسیر بحث را عوض می‌کند. این روایت چه وجوب و استحباب بکند، ربطی به تولی ندارد. بلکه مربوط به قضاء حاجت اخوان است.

۳. شمول روایت در دفع ضرر یا مطلق گره‌گشایی

نکته‌ای دیگر این است که آیا این روایت دفع ضرر را شامل می‌شود و یا این که مطلق گره‌گشایی را شامل می‌شود. روایت قبل فقط دفع ضرر را شامل می‌شد.

ظاهر روایت این است که منظور مطلق گره‌گشایی است. قضاء حوائج اخوان این است که حل مشکل، گره گشودن؛ این کار گاهی منفعتی را به مؤمن می‌رساند و گاهی دفع ضرر می‌کند. قضاء حاجت مؤمن در روایات اعم از سود و دفع ضرر است. در نتیجه این روایت مطلق دفع ضرر نیست بلکه سود و دفع ضرر را شامل می‌شود.

۴. مطلق بودن یا نبودن قضاء حوائج اخوان

روایاتی که قضاء حوائج اخوان را ذکر کرده است، به عنوان یک مستحب مؤکد ذکر شده است. این یک قاعده کلی فقه روابط اجتماعی است. سؤالی که در اینجا وجود دارد که قضاء حوائج اخوان مبتنی بر درخواست مؤمن است یا اینکه مطلق است؛ یعنی مؤمن نیاز تکوینی دارد نه اینکه طلب اعتباری داشته باشد.



شماره ثبت: ۳۱۹۰

حاجت مبتنی بر طلب اعتباری نیست. حاجت نیاز است نه درخواست کردن. اگر لفظ این امر را شامل نشود، با تنقیح مناط شمول پیدا می‌کند.

۵. معنای «عمل» در روایت

در جمله «عمل السلطان»، «عمل» به سه معناست:

۱. عمل به معنای کار و انجام فعل
 ۱. معنای دوم عمل یعنی مطلق کارگزاری در حکومت، مؤسسه و شرکت در هر رتبه و درجه‌ای را می‌گویند.
 ۲. معنای سوم مطلق خاص بودن آن است. مثل رئیس، مدیر، فرماندار بودن.
- سؤالی که در اینجا وجود دارد این است که عمل، رتبه‌های پایین کارگزاری را شامل می‌شود و یا اینکه رتبه‌های بالای کارگزاری (مدیریت و امثال این) را شامل می‌شود.
- عمل به معنای اول، منظور نیست. عمل در اینجا به معنای دوم است. همین که کسی وظیفه و مسئولیتی را بر عهده می‌گیرد، مشمول این روایت می‌شود. شاهد این مطلب، این است که در روایات، عمل و عامل وجود ندارد و فقط مع السلطان، دخول فی السلطان بودن را بیان می‌کند. از این قراین و شواهد نتیجه می‌گیریم که عمل به معنای دوم است.

۶. شمول «سلطان» در معنای خاص

در این روایت، سلطان ظهور در حاکم مسلمان غاصب دارد. ولی با ملاحظه آیات و روایات، ممکن است بگوییم که سلطان مطلق حاکم غیر عادل است. یعنی کفار را نیز دربر می‌گیرد.

جمع‌بندی

این دو روایت، دلالت بر جواز دارد. روایت اول در خصوص دفع ضرر است و روایت دوم اعم از دفع ضرر است. این امر نکته‌ی شیخ را که در صلاح العباد بیان کرده بودند، اثبات می‌کند.



روایت سوم: دلیل سوم شیخ (ره)

روایت ششم باب ۴۶ است.

«قَالَ: وَ سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ رَجُلٍ يَحْبُ آلَ مُحَمَّدٍ ص - وَ هُوَ فِي دِيْوَانٍ هُوَ لَا يَفِيْقُتُلُ تَحْتَ رَايَتِهِمْ فَقَالَ يَحْشُرُهُ اللَّهُ عَلَى نِيَّتِهِ.»^۱

این روایت را قبلاً عرض کردیم. کسی که محب اهل بیت (علیهم السلام) است وارد دیوان ظالمین می شود. در جنگ آن ها شرکت می کند و کشته می شود. خداوند با نیتشان محشورشان می کند.

این روایت نیز از من لا یحضره الفقیه است. از مراسلات با اسناد جازم است.

بررسی روایت از لحاظ دلالت

در دلالت این روایت، چندین نکته وجود دارد:

۱. ارتباط روایت با تولی

آیا این روایت استثنای تولی من قبل الجائر است یا اینکه منظور روایت این است که تولی جایز نیست؟

این روایت در خصوص جنگ است. اصلاً بحث مطلق تولی را بیان می کند. حکم ورود به دیوان را بیان نمی کند. ظاهر روایت می فرماید که تولی و ورود حرمت ندارد. این روایت ربط به بحث ما ندارد و در مورد نیتشان در جنگ است. در نتیجه این روایت، نکته‌ی ویژه‌ای در مورد کشته شدن در جنگ را بیان می کند.

۲. حکم شرکت در جنگ

اکنون که موضوع روایت معلوم شده است، باید ببینیم که این شرکت در جنگ جایز است یا خداوند از سر لطف وی را می بخشد؟

ظاهر روایت، جواز را بیان می کند. البته این حکم در جهاد مورد بررسی قرار می گیرد.

وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۹۳^۱



شماره ثبت: ۳۱۹۰

۳. معنای نية

نية در این روایت، به دو معنا گرفته شده است:

۱. منظور از نیت، اعتقاد به اهل بیت (علیهم السلام) است.

۲. معنای خاص نیت است، یعنی به چه انگیزه‌ای در جنگ شرکت کرده است. آیا برای جهان‌گشایی و مطامع مادی و دنیوی در جنگ شرکت کرده است یا برای اسلام جنگیده است.

در معنای اول، نیت خاص مطرح نیست و همین‌که اعتقاد به اهل بیت (علیهم السلام) دارد، باعث اصلاح امرش در آخرت می‌شود. در معنای دوم این است که برای چه به جنگ رفته است. در این قسمت ترجیحی نمی‌توان داد.

نتیجه

این روایت را نمی‌توانیم در دلالت تام بگیریم و بر موضوع ما، دلالت نمی‌کند.